



بیانیه علمای مکه و نجد

علمای مکه در رأس آنها، شیخ عبدالقادر شیبی کلیددار خانه کعبه، به دیدن ابن سعود آمدند، ابن سعود سخنانی ایراد کرد و در ضمن آن از دعوت محمد بن عبدالوهاب یاد کرد و اظهار داشت که احکام دینی ما، طبق فقه احمد بن حنبل است، حال اگر این سخنان در نزد شما پذیرفته است، بیایید تا برای عمل کردن به کتاب خدا و سنت خلفای راشدین با یکدیگر بیعت کنیم. همه با او بیعت کردند.

سپس یکی از علمای مکه، از ابن سعود درخواست کرد که مجلسی ترتیب بدهد تا علمای مکه و نجد در اصول و فروع به مباحثه پردازند، وی این پیشنهاد را پذیرفت و در روز یازدهم جمادی الأولى، پانزده نفر از علمای مکه و هفت نفر از علمای نجد، اجتماع کردند و مدتی باهم بحث کردند و در پایان بیانیه‌ای از طرف علمای مکه صادر شد، مبنی بر این که در پاره‌ای از مسائل اصولی، میان علمای مکه و علمای نجد، موافقت گردید، از جمله این که هرکس میان خود و خدا واسطه قرار دهد، کافر است و تا سه بار توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد، باید کشته شود. دیگر ساختمان بر روی قبور و چراغ روشن کردن در اطراف قبور و نماز خواندن در کنار آنها حرام است. و نیز اگر کسی خدا را

به جاه و مقام کسی بخواند، مرتکب بدعت شده و بدعت در اسلام حرام است^۱.

ویران ساختن مقابر و مشاهد حجاز به وسیله وهابیان

وقتی که وهابیان وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، چنان که این کار را یکبار دیگر نیز انجام داده بودند و هنگامی که وارد مکه شدند، قبّه‌های قبرهای عبدالمطلب جد پیامبر ﷺ و ابوطالب عموی پیامبر و خدیجه ام‌المؤمنین (همسر اول پیامبر) و همچنین بنای زادگاه پیامبر و فاطمه زهرا علیها السلام را با خاک یکسان نمودند.

در جده قبّه قبر حوّا را ویران ساختند و به‌طور کلی تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده و طائف و نواحی آنها از بین بردند و زمانی هم که مدینه را محاصره کرده بودند، مسجد و مزار حمزه و مقبره شهدای احد را که بیرون شهر بود، خراب کردند.

مرحوم علامه امین می‌نویسد:

«و شایع است که آنها گنبد مرقد مطهر نبوی را هم به توپ بستند، اما خود وهابها منکر چنین چیزی هستند. چون این خبر به گوش ملت ایران رسید، سخت دچار نگرانی شد و علما و بزرگان اجتماع کردند و این پیش‌آمد را امری بزرگ تلقی نمودند و ما در دمشق از یکی از علمای بزرگ خراسان و از شهر مقدس مشهد تلگرافی دریافت نمودیم که طی آن حقیقت قضیه را از ما سئوال کرده بودند، سپس دولت ایران گروهی را برای تحقیق به حجاز اعزام داشتند، تا از حقیقت ماجرا دولت خویش را مطلع سازند^۲.

پس از تسلط وهابها بر مدینه منوره قاضی القضاات وهابها، شیخ عبدالله بن بلّیهد در ماه رمضان ۱۳۴۴ از مکه به مدینه آمد و اعلامیه‌ای صادر نمود و ضمن آن از اهل مدینه سئوال کرد که درباره خراب کردن قبّه‌ها و مزارات چه می‌گویند؟ بسیاری از مردم از ترس جوابی ندادند و بعضی از آنان خراب کردن را لازم دانستند و متن سئوال و

(۱) تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ص ۳۴۴. (۲) کشف الإرتیاب، ص ۵۵

جواب را منتشر ساخت.»

مرحوم علامه سید محسن امین در این باره می‌نویسد:

«مقصود شیخ عبدالله ز این سؤال استفتاء حقیقی نبود، زیرا وهابیه در وجوب خراب کردن تمام قبه‌ها و ضریح‌ها حتی قبه روی قبر پیامبر ﷺ هیچ تردیدی ندارند، این قاعده و اساس مذهبشان می‌باشد و سؤال مزبور تنها برای تسکین خاطر مردم مدینه بود.»

بعد از سؤال مذکور، آنچه در مدینه و اطراف آن گنبد و ضریح و مزار بود، ویران ساختند از جمله گنبد‌های ائمه مدفون در بقیع که عباس عموی پیغمبر ﷺ نیز در آن مدفون بود و دیوارها و صندوق روی قبور، همه را خراب کردند، همچنین گنبد‌های عبدالله پدر پیامبر ﷺ و آمنه مادر آن حضرت و نیز گنبد‌ها و قبور زوجات پیامبر ﷺ و گنبد عثمان بن عفان و اسماعیل بن جعفر الصادق ﷺ و مالک پیشوای مذهب مالکی را ویران ساختند، خلاصه سخن این که در مدینه و اطراف و در ینبع قبری باقی نگذاشتند!.

باز می‌نویسد:

«وهابیه از ترس نتیجه کارشان از خراب کردن گنبد و بارگاه رسول اکرم ﷺ خودداری کردند و گرنه آنان هیچ قبر و ضریحی را استثنا نکرده‌اند، بلکه قبر پیامبر از جهت آن که بیشتر مورد احترام و علاقه مردم است، از نظر آنها اولی به خرابی است، اما آنچه که پادشاه سعودی اظهار داشته که «ما قبر پیامبر را محترم می‌دانیم» بدون شک چنین کلامی برخلاف عقائد آنهاست و این سخن را جز برای مصلحت و جلوگیری از تحریک عواطف جهان اسلام، بر ضدشان، نگفته است و اگر از این نظر خاطر جمع می‌شدند، حتماً قبر پیامبر ﷺ را نیز ویران می‌ساختند، بلکه نخست و پیش از سایر

(۱) کشف الإرتیاب، ص ۵۵.

مزارات آنجا را خراب می نمودند.

چون این عمل زشت و هابیان در حجاز و آنچه را که نسبت به قبور ائمه بقیع کرده بودند، به گوش مسلمانان در نقاط مختلف جهان رسید، این جنایت را بزرگ شمردند و در محکومیت آن، تلگرافهایی از عراق و ایران و سایر کشورها به ابن سعود مخابره شد و به عنوان اعتراض در سها و نماز جماعتها تعطیل گشت و مجالس سوگواری تشکیل گردید.^۱

مطلبی که بیشتر موجب نگرانی شد، انتشار این موضوع بود که گنبد روی قبر مطهر پیامبر ﷺ را نیز به گلوله بسته اند (و حتی قبر مقدس را خراب کرده اند) اما بعداً معلوم شد این خبر صحت نداشته خود و هابیها هم آن را انکار کردند.

جابری انصاری در کتاب «تاریخ اصفهان» در ضمن وقایع سال ۱۳۴۳ هجری به داستان حمله و هابی به حجاز و ویران ساختن قبور اشاره می کند و می نویسد:

«ضریح پولادی که حاج امین السلطنه در سال ۱۳۱۲ هـ دستور داد در اصفهان دو سالی ساختند، برداشتند (از روی قبور ائمه بقیع) و چون و هابیها خواسته بودند وارد مرقد مقدس ختمی مرتبت شوند، یکی از آنان، این آیه را خوانده بود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ...﴾ لذا از آن جسارت گذشتند.^۲

مباران مدینه و انعکاس آن در ایران و سایر ممالک اسلامی

مؤلف کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» حسین مکی، زیر عنوان فوق می نویسد: «تقریباً در اوایل شهریور ۱۳۰۴ برابر اوایل صفر ۱۳۴۳ در نتیجه محارباتی که بین طائفة و هابیها (ابن السعود ملک نجد و حجاز) که بعدها به نام کشور عربی سعودی موسوم گردید، و صاحب الاحساء و ملک حسین شریف مکه و مدینه روی داد، برخی از

(۱) همان مدرک.

(۲) تاریخ اصفهان، ص ۳۹۲.

شهرهای مکه و مدینه بمباران گردید و پس از تصرف مدینه شهر مزبور نیز از طرف قوای ابن السعود بمباران شد، بعضی از مقابر صحابه و مساجد و مقابر ائمه شیعه ویران گردید. خبر این بمباران در عالم اسلام و مخصوصاً عالم تشیع صدای عجیبی کرد و عواطف مذهبی مردم را سخت تحریک نمود، از تمام نقاط ایران تلگرافاتی به علمای تهران شد و علمای مرکز نیز جلساتی تشکیل داده و در اطراف این موضوع به مذاکره و بحث پرداختند. سردار سپه نیز در این زمینه بخشنامه زیر را صادر نمود:

«متحد المآل تلگرافی و فوری است. عموم حکام ایالات و ولایات و مأمورین دولتی.

به موجب اجبار تلگرافی از طرف طائفه وهابی ها اسائه ادب به مدینه منوره شده و مسجد اعظم اسلامی را هدف تیر توپ قرار داده اند. دولت از استماع این فاجعه عظیم بی نهایت مشوش و مشغول تحقیق و تهیه اقدامات مؤثره می باشد، عجالتاً با توافق نظر آقایان حجج اسلام مرکز تصمیم گرفته شده است که برای ابراز احساسات و عمل به سوگواری و عزیه داری یک روز تمام مملکت تعطیل عمومی شود، لهذا مقرر می دارم عموم حکام و مأمورین دولتی در قلمرو مأموریت خود به اطلاع آقایان علمای اعلام هر نقطه، به تمام ادارات دولتی و عموم مردم این تصمیم را ابلاغ و روز شنبه شانزدهم صفر را روز تعطیل و عزاداری اعلام نمایند.

ریاست عالیة کل قوا و رئیس الوزراء - رضا».

مکی می افزاید:

«بر اثر تصمیم فوق روز شنبه شانزدهم صفر تعطیل عمومی شد، از طرف دستجات مختلفه تهران مراسم سوگواری و عزاداری به عمل آمد و بر طبق دعوتی که به عمل آمده بود، در همان روز علما در مسجد سلطانی اجتماع نمودند و دستجات عزادار با حال سوگواری از کلیه نقاط تهران به طرف مسجد سلطانی عزیمت کرده در آنجا

اظهار تأسف و تأثر به عمل آمد و عصر همین روز یک اجتماع چندین ده هزار نفر در خارج دروازه دولت تشکیل گردید و در آنجا خطبا و ناطقین نطقهای آتشین و مهیجی کرده، نسبت به فضاییای مدینه و اهانتی که از طرف وهاییها به گنبد مطهر حضرت رسول به عمل آمده بود، اظهار انزجار و تنقّر شد.^۱

وضع قبور ائمه بقیع پیش از خراب کردن وهاییها

در سفرنامه‌های حج، وضع قبور ائمه بقیع قبل از خراب کردن وهاییها به تفصیل شرح داده شده و تصاویری از آنها ارائه گردیده است از جمله این سفرنامه‌ها، سفرنامه میرزا حسین فراهانی است. وی در سال ۱۳۰۲ قمری توفیق زیارت حج پیدا کرده و درباره قبور ائمه بقیع چنین نوشته است:

«قبرستان بقیع، قبرستان وسیعی است که در شرقی سور (بارو) مدینه متصل به دروازه سور واقع شده و دورتادور آن را دیوار سه ذرعی از سنگ و آهک کشیده‌اند و چهار در دارد دو درب آن از طرف غرب و در کوچه پشت سور است و یک درب طرف جنوب و درب دیگر آن شرقی و طرف حش کوکب است که در کوچه باغهای بیرون شهر است و از بس در این قبرستان سرهم دفن کرده‌اند، اغلب قبرستان یک ذرع متجاوز از سطح زمین ارتفاع بهم رسانیده است و در اوقات آمدن حجاج به مدین، همه روزه درهای این قبرستان تا وقت مغرب باز است و هرکس می‌خواهد می‌رود و در غیر وقت حج، ظهر روز پنجشنبه باز می‌شود و تا نزدیک غروب روز جمعه بعد بسته است مگر آن که کسی بمیرد و آنجا دفن کنند.

چهار نفر از ائمه اثنی عشر صلوات‌الله علیهم اجمعین در بقعه بزرگی که به طور هشت ضلعی ساخته شده، واقعد و اندرون و گنبد او سفیدکاری است و بنای این بقعه

(۱) حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، ص ۳۶۵ و ۳۶۶.

معلوم نیست از که و چه وقت بوده اما محمد علی پاشای مصری در سنه ۱۲۳۴ به امر سلطان محمود خان عثمانی تعمیر کرده و بعد همه ساله از جانب سلاطین عثمانی این بقعه مبارکه و سایر بقعه‌جات واقعه در بقیع تعمیر می‌شود در وسط این بقعه مبارکه، صندوق بزرگی است از چوب جنگلی خیلی ممتاز و در وسط این صندوق بزرگ دو صندوق چوبی دیگر است و در این دو صندوق پنج نفر مدفونند: یکی امام ممتحن حضرت حسن و یکی حضرت سجاد و یکی حضرت امام محمد باقر و یکی حضرت صادق علیهم‌السلام است و یکی عباس عم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که بنی عباس از اولاد اویند و در وسط بقعه متبرکه در طاقنمای غربی مقبره‌ای است که به دیوار یک طرف او را ضریح آهنی ساخته‌اند و می‌گویند: قبر حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام است.

چند محل است که مشهور به قبر صدیقه طاهره است: یکی در بقیع در حجره‌ای که بیت‌الاحزان می‌گویند و به همین ملاحظه اغلب در بیت‌الاحزان نیز زیارت صدیقه کبری علیها‌السلام را می‌خوانند و در جلو همین قبر مبارک، پرده گلابتون دور گنبد آویخته و از گلابتون بیرون آورده‌اند که: سلطان احمد بن سلطان محمد بن سلطان ابراهیم، (سنه احدی و ثلثین و مائة بعد الألف ۱۱۳۱)».

مرحوم فراهانی می‌افزاید:

«در این بقعه مبارکه دیگر زینتی نیست مگر دو چلچراغ کوچک و چند شمعدان بُرنز، و فرش زمین بقعه، حصیر است و چهار، پنج نفر متولی و خدام دارد که ابا عن جد هستند و مواظبتی ندارند و مقصودشان اخذ تنخواه (پول) از حجاج است.

حجاج اهل تسنن بر سبیل ندرت در این بقعه متبرکه به زیارت می‌آیند و برای آنها ممانعتی در زیارت نیست و تنخواهی از آنها گرفته نمی‌شود. اما حجاج شیعه هیچ‌یک را بی‌دادن وجه نمی‌گذارند داخل بقعه شوند مگر آن که هر دفعه تقریباً از یک قران الی پنج شاهی به خدام بدهند و از این تنخواهی که با این تفصیل از حجاج می‌گیرند، باید سهمی

به نائب الحرم و سهمی به سید حسن پسر سید مصطفی که مطوف عجم است، برسد و بعد از دادن تنخواه هیچ نوع تقیه در زیارت و نماز نیست و هر زیارتی سرّاً یا جهراً می‌خواهند بکنند آزاد است و ابداً لساناً و یداً صدمه‌ای به حجاج شیعه نمی‌رسانند. پشت گنبد ائمه بقیع بقعه کوچکی است که بیت‌الاحزان حضرت زهرا علیها السلام است.

فراهانی، سپس به تعریف و توصیف قبور بقیع و بنای روی آنها می‌پردازد^۱ از جمله سفرنامه نویسان حاج فرهاد میرزا است که در سال ۱۲۹۲ قمری به سفر حج رفته و در سفرنامه خود به نام «هدیه السبیل» می‌نویسد:

«از باب جبرئیل در آمده به زیارت ائمه بقیع علیهم السلام مشرف شدم که صندوق ائمه اربعه علیهم السلام در میان صندوق بزرگ است که عباس عم رسول الله صلی الله علیه و آله نیز در آن صندوق است، ولی صندوق ائمه که در میان همان صندوق بزرگ است، مفروز است که دو صندوق است».

مرحوم فرهاد میرزا می‌گوید:

«متولّی آنجا در ضریح را باز کرده به میان ضریح رفتم و طوافی دور ضریح کردم و طرف پائین پا خیلی تنگ است که میان صندوق و ضریح کمتر از نیم ذرع است که به زحمت می‌توان حرکت کرد^۲».

مؤلف کتاب «تحفة الحرمین» نائب الصدر شیرازی که در سال ۱۳۰۵ هـ ق به مسافرت حج تشرّف یافته در سفرنامه خود، چنین نوشته است:

«وادی بقیع به دست راست است، مسجد پوشیده‌ای است مانند اطاق بر سر او نوشته: «هذا مسجد ابي بن كعب و صَلَّى فِيهِ النَّبِيُّ غَيْرَ مَرَّةٍ» (این مسجد ابي بن کعب است که پیغمبر مکرر در آن نماز گزارد) بقعه ائمه بقیع جناب امام حسن و امام زین‌العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام در یک ضریح می‌باشند. می‌گویند: عباس بن

(۱) سفرنامه فراهانی، ص ۲۸۱ به بعد.

(۲) هدیه السبیل، ص ۱۲۷ به بعد.

عبدالمطلب آنجا مدفون است و آثاری در آن بقعه در پیشروی ائمه به طرف دیوار مانند شاه‌نشین ضریح و پرده دارد می‌گویند جناب صدیقه طاهره مدفون هستند»^۱.

ابراهیم رفعت پاشا که در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۵ هـ ق که در سفر اول به عنوان رئیس نگهبان محمل قافله حجاج مصر و سفرهای بعدی به عنوان امیرالحاج مصر بوده، برای سفرهای چهارگانه خود سفرنامه مفصلی به نام «مرآة الحرمین» نوشته است وی در این کتاب ارزشمند وضع قبور اجداد پیامبر و ام‌المؤمنین خدیجه در مکه و قبور ائمه مدفون در بقیع را قبل از سال ۱۳۴۴ هـ ق یعنی قبل از خراب کردن وهابیه‌ها به تفصیل شرح داده و تصاویری روشن از آنها ارائه داده است وی وضع قبور بقیع و افراد معروفی که در آن مدفونند از صحابه پیامبر ﷺ و غیر آنان ذکر کرده و گفته است که قبه اهل بیت ﷺ (مقصود ائمه مدفون در بقیع) از بقعه‌های دیگر بلندتر است»^۲.

رفعت پاشا در ضمن ذکر وضع بقعه‌ها؛ عکسها و تصاویری از بقاع بقیع که بقعه و گنبد ائمه از همه آنها مجلل‌تر و بلندتر است، و از صحن و سرای باشکوه حضرت خدیجه در مکه، ارائه کرده است.

خلاصه؛ تا سال ۱۳۴۴ قبل از تسلط وهابیه بر حجاز، قبور مدفون در بقیع و پاره‌ای قبور دیگر در مکه و مدینه دارای گنبد و بارگاه و فرش و شمعدان و چراغ و فن‌دیل بوده است، بسیاری از کسانی که قبل از این تاریخ آنجا را دیده‌اند، وضع بنا و دیگر خصوصیات مربوط به مقابر را با ذکر جزئیات و احیاناً با ارائه تصاویری در گنبد و بارگاه آنها، در سفرنامه‌های خود ذکر کرده‌اند.

(۱) تحفة الحرمین، ص ۲۲۷.

(۲) مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶، چاپ مصر، ۱۳۴۴ هـ - ۱۹۲۵ م.